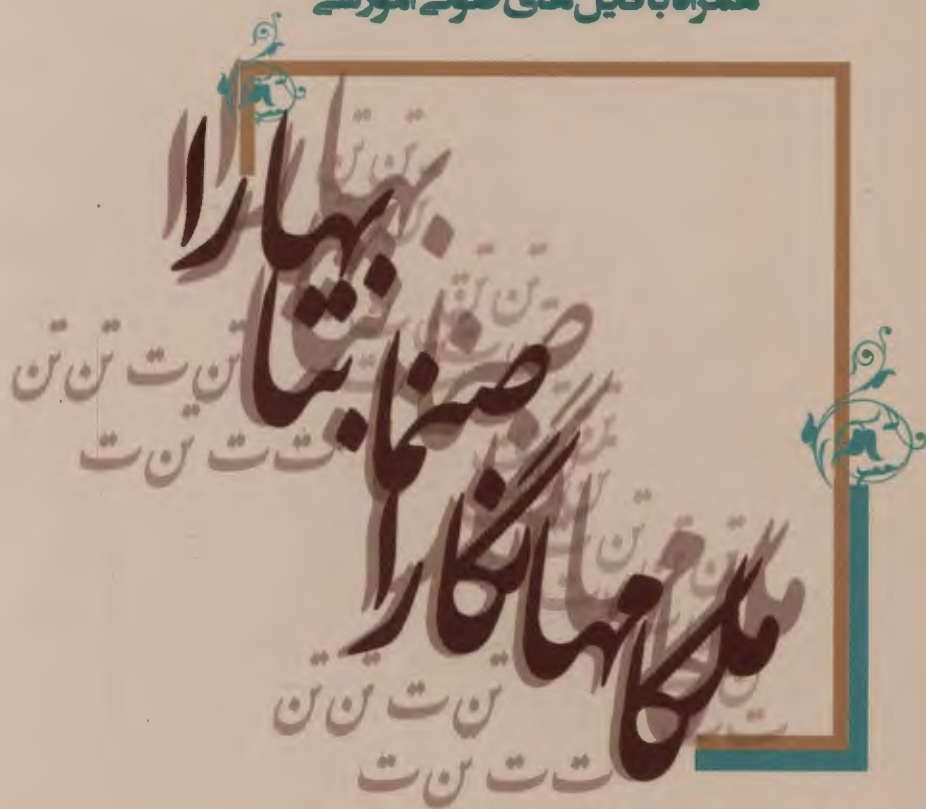


آموزش عروض و قافیه

(با رویکرد عروض شنیداری)

همراه با فایل های صوتی آموزشی



دکتر علی اکبر کمالی نهاد

دکتر محمدا میر جلالی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران

سورة الفجر

آموزش عروض و قافیه

(با رویکرد عروض شنیداری)

همراه با فایل های صوتی آموزشی

دکتر علی اکبر کمالی نهداد

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران

دکتر محمد امیر جلالی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران



انتشارات دانشگاه فرهنگیان



انتشارات زوار

تابستان ۱۴۰۰

سرشناسه	جلالی، محمدامیر، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	آموزش عروض و قافیه (با رویکرد عروض شنیداری) همراه با فایل های صوتی آموزشی / محمدامیرجلالی، علی اکبر کمالی نهاد؛ ویراستار علمی و فنی امیرحسین سالک.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات زوار؛ دانشگاه فرهنگیان، انتشارات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۰۸ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۵۹۷-۷-۴۸۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۰۴] - ۲۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	عروض فارسی
موضوع	Versification -- Persian language
موضوع	قافیه
موضوع	Rhyme
موضوع	فارسی -- وزن شعر و نثر
موضوع	Persian language -- Rhythm
شناسه افزوده	کمالی نهاد، علی اکبر، ۱۳۵۴ -
شناسه افزوده	سالک، امیرحسین، ۱۳۷۵ -؛ ویراستار
شناسه افزوده	دانشگاه فرهنگیان، انتشارات
رده بندی کنگره	PIR ۳۵۵۸
رده بندی دیویی	۸۶۰/۴۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۸۶۶۷۲
اطلاعات رگورد کتابشناسی	فیبا



انتشارات دانشگاه فرهنگیان



انتشارات زوار

آموزش عروض و قافیه

(با رویکرد عروض شنیداری)
همراه با فایل های صوتی آموزشی
مؤلفان:

دکتر محمدامیرجلالی - دکتر علی اکبر کمالی نهاد
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران - عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران

ویراستار علمی و فنی: امیرحسین سالک
ناشر: انتشارات زوار و انتشارات دانشگاه فرهنگیان
نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۵۰ نسخه
تنظیم و صفحه آرایی: منیژه گلستانی
طراحی جلد: سعیده نیکبخت
چاپ و صحافی: نقره آبی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱۵-۹۷-۷
قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خ ۱۲ فروردین، نیش خ وحید نظری، شماره ۳۳ - تلفن: ۶۶۴۳۴۲۳-۶۶۴۶۲۵۰۳
ارتباط با مؤلفان: mohammadamir_jalali@yahoo.com / ۰۹۱۸۸۶۳۰۱۷۶ Alikamali_cfu.ac.ir

حق چاپ محفوظ است. □ □



فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
فصل اول: مبانی آموزش عروض	
۱۷	 تعریف عروض
۱۷	 فایده علم عروض و قافیه
۱۸	 وزن شعر، اجزاء و چگونگی پدید آمدن آن
۲۰	 چگونگی پدید آمدن وزن
۲۱	 تعریف وزن
۲۱	 بحر
۲۲	 تقطیع و رکن بندی
۲۳	 صامت و مصوّت
۲۴	 صامت های زبان فارسی
۲۵	 مصوّت های زبان فارسی
۲۵	 هجا
۲۶	 انواع هجا در «وزن شعر» و «زبان» فارسی: ۲ یا ۳ هجا؟
۲۷	 ارکان عروضی
۲۸	 مشهورترین ارکان عروضی در شعر فارسی
۲۸	 نحوه تلفظ رکن ها
۲۹	 انواع وزن در شعر فارسی
۲۹	 الف. تقسیم بندی براساس تعداد رکن ها (مثنی، مسدّس و مریّع)
۳۰	 ب. تقسیم بندی براساس نوع رکن ها (متحد الارکان، متناوب الارکان و مختلف الارکان)
۳۳	 چند نکته درباره وزن های متناوب الارکان
۳۳	 چند نکته تکمیلی برای مدرّسان

تمرین ۳۶

فصل دوم: روش‌های آموزش عروض

۱. آموزش به شیوهٔ رکن‌محور (عروض شنیداری) ۴۱

مزایای روش آموزش رکن‌محور ۴۱

روش کار در جلسات آغازین آموزش ۴۲

ادامهٔ آموزش ۴۷

جدول‌های پنج‌گانه ۴۸

نکات مهم ۴۹

توضیحی دربارهٔ فایل‌های صوتی و «ریتمیک» خواندن بیت: ۵۰

جدول ۱ (وزن‌های متحدالارکان) (وزن‌های مبتنی بر تکرار رکن‌ها) (XXXX) ۵۱

جدول ۲ (اوزان متناوب‌الارکان) (وزن‌های مبتنی بر تناوب رکن‌ها) (XY/XY) ۵۳

جدول ۳ (وزن‌های متفق‌الارکان) (XXXx یا XXx) ۵۵

جدول ۴ (وزن‌های متشابه‌الارکان) (XY/x یا XY/Xy) ۵۹

جدول ۵ - برخی دیگر از وزن‌های شعر فارسی ۶۱

سی وزن مشهور شعر فارسی ۶۳

تمرین ۶۷

۲. آموزش به شیوهٔ تقطیعی (هجام‌محور) ۶۹

قواعد تقطیع و قواعد وزنی ۶۹

الف. قواعد تقطیع ۶۹

نکتهٔ مهم: ضرورت دقت در مصراع‌های بعد و عدم اکتفا به یک مصراع در تشخیص وزن ۷۳

ب. قواعد وزنی ۷۵

۱. اختیارات شاعری ۷۵

وزن اصلی و وزن تقطیعی ۷۸

چند نکتهٔ دیگر دربارهٔ اختیارات شاعری ۷۹

تمرین ۸۰

۲. ضرورات وزنی ۸۱

۲-۲. کاسته شدن از کمیتِ مصوّت‌های بلند «i» و «u» پیش از «y» ۸۶

۲-۳. حذف همزه ۹۰

۳. استثنائات (مسائل وزنی کهن) ۹۱

مروری بر قواعد‌های مهم در وزن و تقطیع شعر ۹۱

۳. آموزش به شیوهٔ رکن - هجام‌محور ۹۳

مراحل تقطیع و تشخیص وزن ۹۳

نکتهٔ مهم: تقدّم تشخیصِ گوشهٔ آهنگ کلیّ حاکم بر شعر، بر عملِ تقطیع ۹۴

۹۵.....	آموزش به شیوه هجا - رکن محور
۹۶.....	تمرین

فصل سوم: قافیه

۹۹.....	قافیه
۹۹.....	تعریف قافیه
۹۹.....	ارزش و کاربرد مبحث قافیه
۱۰۰.....	چند نکته درباره قافیه
۱۰۱.....	ردیف
۱۰۱.....	انواع موسیقی شعر و نقش موسیقایی ردیف و قافیه در شعر فارسی
۱۰۲.....	قافیه و ردیف در شعر نیمایی
۱۰۲.....	مباحث جدید و قدیم قافیه
۱۰۳.....	مباحث جدید قافیه
۱۰۳.....	شیوه آموزش انواع قافیه
۱۰۳.....	شیوه ساخت قافیه
۱۰۴.....	روی
۱۰۵.....	چند نکته تکمیلی برای مدرسان
۱۰۶.....	هجای قافیه
۱۰۷.....	انواع قافیه
۱۰۸.....	الگوهای هجای قافیه
۱۰۸.....	۱. هجای CV (صامت + مصوت کوتاه)
۱۰۸.....	۲. هجای C $\bar{V}$ (صامت + مصوت بلند)
۱۰۹.....	۳. هجای CVC (صامت + مصوت کوتاه + صامت)
۱۱۰.....	۴. هجای C $\bar{V}$ C (صامت + مصوت بلند + صامت)
۱۱۰.....	۵. هجای C $\bar{V}$ CC (صامت + مصوت بلند + صامت + صامت)
۱۱۱.....	۶. هجای CVCC (صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت)
۱۱۳.....	عیب‌های قافیه
۱۱۳.....	سه شرط صحیح بودن قافیه
۱۱۴.....	انواع عیب‌های قافیه
۱۱۵.....	۱. عیب‌های مربوط به هجای قافیه
۱۱۵.....	۱/۱. عیب تفاوت واج در هجاهای قافیه
۱۱۵.....	۱/۱. الف. عیب تفاوت در مصوت
۱۱۵.....	۱/۱. الف. ۱. عیب تفاوت در مصوت کوتاه (در هجاهای «CVC» و «CVCC»)

۱۱۷	۱/۱. الف. ۲. عیب تفاوت در مصوَّت بلند (در هجاهای « CV̄ », « CV̄ » و « CV̄CC »)
۱۱۷	۱/۱. ب. عیب تفاوت در صامت
۱۱۷	۱/۱. ب. ۱. عیب تفاوت در رَوی
۱۱۹	۱/۱. ب. ۲. عیب تفاوت در دومین صامت الگوهای هجایی
۱۲۰	۲-۱. عیب تفاوت در الگوهای هجایی
۱۲۱	۲. عیب‌های مربوط به تکرار
۱۲۱	۲-۱. ساخت قافیه بر اساس تکرار واژه (بدون تفاوت در معنا)
۱۲۱	۲-۲. ساخت قافیه بر اساس تکرار تک‌واژ (پس از واژگان ناهم‌قافیه)
۱۲۳	جمع‌بندی
۱۲۴	چند مبحث قابل توجه در مورد قافیه
۱۲۴	۱. تحولات زبانی و انواع آن
۱۲۵	۲. ضرورت قافیه یا تحولات آوایی (مسائل گویشی)؟
۱۲۶	۳. در نظر داشتن احتمال تلفظ‌های مختلف در نقد قافیه اشعار قدیم
۱۲۸	برخی از اصطلاحات دیگر مربوط به بحث قافیه
۱۲۸	۱. ذوقافیتین
۱۲۸	۲. ردّ القافیه
۱۲۸	۳. حاجب
۱۲۹	۴. مردّف، مصرّع، مقفّی
۱۲۹	۵. قافیه هنری (قافیه بدیعی)
۱۲۹	۵. الف. لزوم مالایلم (اعنات)
۱۳۰	۵. ب. تجنیس
۱۳۰	۵. ج. قافیه معموله (معمولی)
۱۳۱	۶. غُلُو
۱۳۲	۷. الف اطلاق (الف اشباع)
۱۳۳	تمرین

فصل چهارم: مباحث تکمیلی

۱۳۷	وزن و قالب‌های شعری
۱۳۷	انواع قالب‌های شعری
۱۳۸	رباعی
۱۳۹	وزن رباعی
۱۴۰	وزن‌های دوازده‌گانه رباعی
۱۴۲	دوبیتی

۱۴۴	مُسْتَرَاد
۱۴۴	بحر طویل
۱۴۶	خسروانی و نوخسروانی
۱۴۷	شعر نو (آزاد)
۱۴۷	الف. شعر نیمایی
۱۵۹	ب. شعر سپید
۱۶۰	ج. شعر موج نو
۱۶۱	سه‌گانی
۱۶۱	تمرین
۱۶۲	شیوه‌های ساخت وزن‌های تازه در شعر فارسی
۱۶۷	مسائل وزنی متون کهن
۱۶۸	الف. تغییر کمیت هجاها
۱۶۸	الف. ۱. کاربرد هجای کشیده در جایگاه هجای بلند
۱۶۹	الف. ۲. کاربرد هجای بلند در جایگاه هجای کشیده
۱۷۰	الف. ۳. کوتاه‌شدن مصوّت بلند بدون قاعده
۱۷۱	الف. ۴. عدم کاسته‌شدن از کمیت مصوّت بلند پیش از صامت «ن» (خلاف قاعده رابیع)
۱۷۱	ب. قاعده «تسکین» و تبدیل اوزان
۱۷۲	ج. آوردن صامت اضافه بر وزن
۱۷۲	ج. ۱. صامت «د»، «ت»
۱۷۳	ج. ۲. صامت «ن» پس از مصوّت مرکّب
۱۷۳	ج. ۳. «خزم»
۱۷۴	د. حذف یک حرف از حروف مجاور یکسان
۱۷۴	ه. آوردن «فاعلاتن» به جای «فعلاتن» در حشو (میانه) بیت
۱۷۵	و. مسائل آوایی- وزنی
۱۷۵	و. ۱. تلفظ یای میانجی و واو عطف به سکون
۱۷۶	و. ۲. اسکان ضمیر
۱۷۶	و. ۳. حذف کسره اضافه
۱۷۶	و. ۴. حذف همزه
۱۷۸	شیوه‌های تلفظ کهن برخی از کلمات
۱۷۸	- شناسه «ش»
۱۷۹	- شناسه «م»
۱۸۰	- واو معدوله
۱۸۱	برخی از ویژگی‌های رسم الخطی متون کهن فارسی

پیش درآمد.....	۱۸۱
۱. نگارش «که» و «چ» به صورت «کی» و «چی»	۱۸۵
۲. اتصال «های بیان حرکت» به «های جمع»	۱۸۶
۳. علامت همزه و تلفظ‌های مختلف آن	۱۸۶
۴. آنک، آنچ، بلک، چنانک، زیراک، الاک و	۱۸۷
۵. نگارش تای مدوره (ة / تة) پایان کلمات عربی به شکل «ت»	۱۸۹
۶. نگارش واژگان مختوم به یای منقوص به شیوة عربی	۱۸۹
۷. نگارش واژگان به شیوة رسم المصحف	۱۸۹
۸. پیوسته‌نوشتن حروف «به»، «که»، «چه»	۱۹۰
۹. گسسته‌نوشته‌شدن «ن» نفی از فعل	۱۹۰
۱۰. تلفظ و نگارش «چون» به شکل «چن»	۱۹۰
رابطه وزن و تعریف شعر	۱۹۱
آیا وزن عروضی از ضروریات شعر است؟	۱۹۱
تعریف خواجه نصیرالدین طوسی از شعر	۱۹۲
املاى عروضى (آوانویسی)	۲۰۰
منابع	۲۰۳

مقدمه

عروض یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین دانش‌های ادبی است که در صورت اتخاذ روش‌های صحیح در آموزش آن، مهارت‌های متعددی را چه از جنبه علمی و چه از جنبه هنری در فراگیر ایجاد می‌کند. به دست دادن معیارهایی برای درست خواندن عبارات و متن‌های شعری (و نهایتاً درک صحیح معنای متن)، تشخیص لغزش‌های متون منظوم (اعم از افتادگی‌ها، افزودگی‌ها، و خطا در نگارش واژگان)، کمک به تشخیص واژه صحیح بر اساس وزن شعر در جهت ویرایش و تصحیح متن‌های شعری (اعم از متون چاپی و نسخه‌های خطی)، به دست دادن اصطلاحات لازم برای نقد شعر و جنبه‌های موسیقایی متن، هم‌چنین افزایش التذاذ هنری و لذت از خواندن شعر با درک بهتر موسیقی آن، مؤثر و آهنگین خواندن شعر، و نیز افزایش مهارت در خلق آثار هنری موزون، از جنبه‌های اهمیت و کاربردهای این دانش است. همان‌گونه که دانش قافیه نیز علاوه بر استفاده در نقد شعر و مطالعات زبان‌شناختی (معیاری برای تشخیص تلفظ قدیم واژگان)، در درست خوانی و تصحیح متن نیز خواننده و پژوهنده را یاری می‌دهد.

با همه این‌ها، در عمل می‌بینیم که در شیوه‌های آموزشی رایج، آنچه فراگیران می‌آموزند، بیش‌تر قواعد وزنی و فنون تقطیع است و کمتر اتفاق می‌افتد که این دانسته‌ها تبدیل به مهارتی عملی و کاربردی شوند. کسب مهارت‌های کاربردی در دانش عروض، از طریق همراه ساختن تقویت گوش و شم شنیداری فراگیران به همراه آموزش فنون تقطیع حاصل می‌شود. نداشتن مهارت در تشخیص شنیداری وزن، یکی از مهم‌ترین دلایل ناتوانی در روخوانی و نقل صحیح شعر، و نیز عدم تشخیص آشفته‌گی‌های وزنی در متون پیش‌رواست. این امر دست‌کم ناشی از دو چیز است: مبانی کتاب‌های کهن عروضی، و روش‌های رایج آموزشی.



در عروض قدیم با توجه به تصور خطایی که درباره استخراج (و نه تأثیرپذیری) دستگاه وزن شعر فارسی از دستگاه وزن شعر عرب وجود داشت، سعی بر آن بود که هم قواعد وزن شعر فارسی بر اساس قواعد وزنی شعر عرب تبیین و توصیف شود، و هم از اصطلاحات عروض عرب در این باره استفاده شود. (همان گونه که در برخی از کتاب های قدیم دستور زبان، سعی بر آن شده بود که قواعد زبان فارسی را بر اساس قواعد زبان عرب توصیف، و از اصطلاحات دستوری عرب در این باره استفاده کنند.) بنابراین نام ها و اصطلاحات عربی فراوانی درباره زحافات و نام گذاری وزن ها بر اساس «بحر» های عروضی در کتاب های عروض فارسی وجود داشت که عملاً بیشتر زمان فراگیران بر سر حفظ و یادگیری این نام ها سپری می شد. امروزه می دانیم که مبحث «بحر» های عروضی اساساً متناسب با ویژگی های وزنی شعر عرب و برای نام گذاری و طبقه بندی آن وزن ها پدید آمده بود؛ و با توجه به غیر ضروری بودن بحث «بحر» در زمینه آموزش وزن شعر فارسی (مگر از جهت مطالعات تاریخی دانش عروض و آشنایی با اصطلاحات پژوهش های گذشته)، از روش های علمی تر و ساده تری برای آموزش ساختار وزن و قواعد حاکم بر آن استفاده می شود و کتاب های آموزشی نیز از شیوه عروض قدیم روی به عروض جدید آورده اند.

در گذشته که مطالعات زبان شناختی گسترش امروزین را نداشت و مفهوم «هجاء» در عروض این گونه شناخته شده نبود، اجزای تشکیل دهنده ارکان عروضی را افاعیل عروضی (أسباب، أوتاد و فَوَاصِل) و اجزای تشکیل دهنده افاعیل را حروف ساکن و متحرک می دانستند. تقطیع و تشخیص وزن نیز بر اساس حروف ساکن و متحرک و با علامت های متفاوتی انجام می شد. در عروض جدید، اجزای تشکیل دهنده ارکان عروضی را هجا و اجزای تشکیل دهنده هجا را صامت و مصوّت می دانند. در پی پژوهش های عروضیانی مانند پرویز ناتل خانلری و مسعود فرزاد، و کوشش استادانی مانند سیروس شمیسا، وحیدیان کامیار و ابوالحسن نجفی، پژوهش و تدوین کتاب های آموزشی درباره وزن شعر فارسی مسیر دیگری را پیمود. در عروض جدید آموزش قواعد و تشخیص و تقطیع وزن بدون ورود به بحث زحافات و بحر، بر اساس «هجاء» انجام می گیرد و این گامی بسیار بزرگ در جهت مطالعه علمی ساختار و قواعد حاکم بر وزن های شعر فارسی و نیز آموزش دانش عروض با روشی ساده بود.

با همه این گام های بزرگ، دیده می شود که بسیاری از فراگیران حتی پس از آموختن قواعد وزن شعر و فنون تقطیع، توانایی لازم را برای مؤثر و آهنگین خواندن شعر، درست خواندن عبارات و



متن‌های شعری، و نیز تشخیص لغزش‌های راه‌یافته در متن ندارند؛ و این همه بازمی‌گردد به ضعف شَمّ شنیداری و اصطلاحاً گوش عروضی فراگیران. آن‌که گوش عروضی تقویت‌شده‌ای دارد، تنها با شنیدن، از پس تشخیص دست‌کم وزن‌های مشهور برمی‌آید و هنگام خواندن متن نیز به محض برخورد با لغزشی وزنی وجود آن را درمی‌یابد؛ حال آن‌که کسی که وزن را تنها از طریق تقطیع تشخیص می‌دهد، عملاً همیشه محتاج به کتابت و نوشتار است و هنگام خواندن متون شعری نیز تا دست به تقطیع نزند، خطاهای راه‌یافته به متن را در نمی‌یابد.

کمال مطلوب در آموزش عروض آن است که هم شَمّ شنیداری فراگیران تقویت شود و هم قواعد و اصول حاکم بر وزن و روش تقطیع آن‌گونه آموخته شود که فراگیران بتوانند وزن‌های ساده را از طریق شنیدن، و وزن‌های دشوار را به شیوه‌ای دقیق و درست از طریق تقطیع تعیین کنند. لازمه این مسأله، تقدّم شیوه آموزش شنیداری و همراه‌ساختن آن با شیوه آموزش نوشتاری (عمل تقطیع) است؛ و پژوهش حاضر گامی در این راستا است.

از دید ما روش‌های آموزش وزن شعر را می‌توان به چهار روش: «رکن‌محور» (روش شنیداری مبتنی بر تقویت شَمّ شنیداری فراگیر برای تشخیص رکن‌ها)؛ روش «هجام‌محور» (روش نوشتاری مبتنی بر آموزش قواعد تقطیع هجایی)؛ روش «هجا - رکن‌محور» (تلفیقی از دو روش پیشین با تقدّم روش هجام‌محور) و روش «رکن - هجام‌محور» (تلفیقی از دو روش نخست با تقدّم آموزش روش رکن‌محور) تقسیم کرد. روش اخیر که روشی شنیداری-نوشتاری است، از دید ما کاربردی‌ترین و مؤثرترین روش آموزش است.

بر این اساس، کتاب حاضر به چهار فصل تقسیم شده است: فصل نخست، به مبانی اولیه دانش عروض پرداخته است؛ فصل دوم به تبیین روش‌های چهارگانه آموزش و بحث از قواعد و تشخیص وزن شعر فارسی با تکیه بر دو شیوه رکن‌محور (شنیداری) و شیوه هجام‌محور (نوشتاری) اختصاص دارد؛ فصل سوم به آموزش مسائل قافیه با روش و طبقه‌بندی‌ای تازه و طرح مباحثی متفاوت از کتاب‌های آموزشی پیشین می‌پردازد و فصل چهارم دربردارنده مباحثی تکمیلی است؛ از جمله بررسی وزن قالب‌های مختلف شعر فارسی به‌ویژه وزن شعر نیمایی، شیوه‌های ساخت وزن‌های تازه در شعر فارسی، مسائل وزنی متون کهن، برخی از ویژگی‌های رسم الخطی متون کهن در پیوند با وزن، و رابطه وزن و تعریف شعر. فایل‌های صوتی کتاب نیز - که با صدای سرکار خانم مرضیه وحدانی‌نژاد و محمدمیر جلالی و نوازندگی آقای ستار خطایی فراهم آمده است - مربوط



به جدول‌های پنج‌گانه کتاب هستند که ۳۳ وزن مشهور شعر فارسی را با شیوه‌آهنگین خواندن بیت و به کمک تمبک‌نوازی آموزش می‌دهند. علاقه‌مندان از طریق اسکن کردن تصویر مندرج در صفحه شناسنامه کتاب می‌توانند به این فایل‌ها دسترسی پیدا کنند.

روش آموزش وزن‌های شعر فارسی با کمک فایل‌های صوتی، پیش از اثر حاضر و برای نخستین بار در ایران در کتاب نگاهی توصیفی-تحلیلی به عروض و قافیه شعر پارسی، تألیف محمدا میرجلالی (انتشارات علمی، ۱۳۹۶) به کارگرفته شده بود. کتاب یادشده آموزش عروض را از سطوح ابتدایی تا مراحل پیشرفته با بحث در اوزان اصلی و انواع وزن‌های تقطیعی آن‌ها، بحث درباره قواعد و روش‌های عروض جدید و قدیم، مباحثی در مقایسه عروض فارسی و عربی، ویژگی‌های وزنی شعر قدیم، مسائل آوایی شعر کهن در ارتباط با وزن، وزن شعرهای عامیانه و شعر کودک، فهرستی از ۲۴۰ وزن شعر فارسی، جدول‌هایی تکمیلی به همراه پیوست‌های متعدد دیگر و غالباً با دیدگاه‌هایی تازه درباره وزن شعر فارسی دربردارد؛ لذا در جای جای کتاب حاضر به آن پژوهش ارجاع داده شده است. اگرچه در کتاب حاضر برخی از مباحث به شکلی تازه و متفاوت از همه کتاب‌های آموزشی پیشین از جمله کتاب یادشده مطرح شده‌اند؛ خاصه در مبحث قافیه و طبقه‌بندی و آموزش عیب‌های قافیه. فایل‌های صوتی کتاب حاضر نیز با ترتیبی متفاوت، گزینشی از فایل‌های صوتی‌ای است که در آن اثر فراهم آمده بود. (۳۳ وزن از ۶۰ وزن) و اما در پایان سپاس خود را پیشکش عزیزانی می‌کنیم که ما را در انتشار این اثریاری رساندند. مدیر محترم انتشارات زوّار، جناب آقای علی زوّار و مسئولان محترم حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه فرهنگیان-به‌ویژه اداره کل نشر و اطلاع‌رسانی- که انتشار این اثر را به شکل مشترک پذیرفتند؛ مدیر محترم انتشارات علمی، جناب آقای محمدعلی علمی، که استفاده از فایل‌های صوتی در کتاب حاضر با موافقت ایشان صورت پذیرفت؛ گوینده توانمند فایل‌های صوتی، سرکار خانم مرضیه وحدانی‌نژاد، هنرمند و نوازنده چیره‌دست سازهای کوبه‌ای، جناب آقای ستار خطایی، و ویراستار دانشور و دقیق‌النظر، جناب آقای امیرحسین سالک.

الحمد لله أولاً و آخراً

محمدا میرجلالی، علی‌اکبر کمالی‌نهاد

۱۲ شهریورماه ۱۴۰۰، مطابق با 3 September 2021، پکن-تهران



فصل اول:

مبانی آموزش عروض



کلمات اهداف آموزشی:

هدف کلی: آشنایی با تعاریف و مفاهیم پایه در عروض

اهداف جزئی:

- آشنایی با تعریف دانش عروض و فایده آن؛
- آشنایی با تعریف وزن، اهمیت و ساختار آن در شعر فارسی؛
- آشنایی با واحد وزن و اجزای آن: واج، هجا و رکن.

تعریف عروض^۱

عروض دانشی است که به بحث درباره وزن‌های شعر می‌پردازد. در زبان عربی همان‌گونه که «فَعِيل» گاهی به معنای «مفعول» به کار می‌رود (مانند حَبِيب به معنی مَحْبُوب) «فَعُول» نیز گاهی به معنای مفعول است. عروض (بر وزن فَعُول) نیز به معنای «معروض» است؛ به این معنا که عروض معیاری است که شعر را بر آن «عرضه» می‌کنند تا وزن درست و نادرست شناخته شود؛ بنابراین عروض علمی است که با آن می‌توان وزن درست شعر را از وزن نادرست تشخیص داد.^۲ با توجه به اینکه شعر فارسی در تعریف گذشتگان حتماً دارای دو ویژگی «وزن» و «قافیه» بوده است،^۳ علم عروض در کنار مبحث قافیه مطرح شده است: «عروض و قافیه».

فایده علم عروض و قافیه

با توجه به اینکه متن‌های شعری بخش مهمی از گنجینه‌های فرهنگی، هنری و ملی ایران زمین را تشکیل می‌دهند، آشنایی با وزن‌ها و قاعده‌های شعری، مهارت‌های بسیاری را در خواننده و پژوهنده ایجاد می‌کند که عبارتند از:

۱. به دست دادن معیارهایی برای درست خواندن شعر (و نهایتاً درک صحیح معنای متن)؛

۲. افزایش التذاذ هنری (لذت خواندن متن)، با درک بهتر موسیقی شعر؛

1. prosody

۲. برای علت نام‌گذاری این علم به عروض چند دلیل دیگر هم گفته شده است. در این باره بنگرید به جلالی، ۱۳۹۶: ۸، پاورقی.

۳. درباره «رابطه وزن و تعریف شعر» بنگرید به صص ۱۹۹-۱۹۱ کتاب حاضر. چنان‌که به تفصیل خواهیم گفت، برخلاف تصوّر رایج، بزرگان منطق قدیم (مانند خواجه نصیرالدین طوسی) هرگز وزن را از تعریف شعر خارج نکرده‌اند و تصوّر «شعر بدون وزن» تصویری تازه و به تأثیر از شعر مدرن فرانسه پدید آمده است. تعریف شعر به «کلام موزون مخیل» نیز درباره مطلق شعر (اعم از شعر فارسی و غیر فارسی) است و خواجه نصیرالدین طوسی و ابن سینا قافیه را از ضروریات شعر فارسی روزگار خود دانسته‌اند.



۳. کمک به تشخیص لغزش‌های متن (اعم از افتادگی‌ها، افزودگی‌ها و خطاها در نگارش واژگان) و کمک به تشخیص واژه صحیح بر اساس وزن شعر (عروض و قافیه یکی از مهم‌ترین دانش‌ها برای ویرایش و تصحیح متن‌های شعری، اعم از متون چاپی و نسخه‌های خطی است)؛
۴. به‌دست‌دادن اصطلاحات لازم برای نقد شعر و جنبه‌های موسیقایی متن؛
۵. افزایش مهارت برای خلق آثار هنری موزون.

دانش قافیه هم در کنار نقد شعر و ارزش‌های زبان‌شناختی (معیاری برای تشخیص تلفظ قدیم کلمات)، در مواجهه با متون ادبی گذشته، در درست‌خوانی و تصحیح متن خواننده و پژوهنده را یاری می‌دهد.

وزن شعر، اجزاء و چگونگی پدیدآمدن آن

پیش از آن‌که به توضیح دقیق درباره وزن و اجزای آن بپردازیم، سعی می‌کنیم با مثالی ساده، چستی وزن و اجزای آن را توضیح دهیم.

مجنون شده‌ام؛ از بهر خدا زان زلفِ خوشت یک سلسله کن
 قن تَن / تَ تَن / تَن تَن / تَ تَن قن تَن / تَ تَن / تَن تَن / تَ تَن

به موسیقی این بیت، یعنی «تَن تَن / تَ تَن / تَن تَن / تَ تَن» «وزن» می‌گویند. این وزن، از اجزای کوچکی تشکیل شده است که به آنها «هجا» می‌گوییم. هجاها کوچک‌ترین اجزای وزن هستند. دیدیم که این هجاها دو نوع هستند: «تَ» و «تَن»؛ «تَ» را هجای کوتاه و «تَن» را هجای بلند می‌نامند؛ پس وزن شعر از دو نوع هجا ساخته می‌شود: هجای کوتاه و هجای بلند. به شکل قراردادی، هجای کوتاه را با علامت «ل» و هجای بلند را با علامت «—» نشان می‌دهند. اگر دقت کنید، می‌بینید که از کنار هم قرارگرفتن هجاها، قسمت‌های بزرگ‌تری درست شده که در طول وزن تکرار شده‌اند: «تَن تَن» و «تَ تَن تَن»؛ به این قسمت‌ها «رُکن» گفته می‌شود. وزن بیت بالا، از دو رُکن «تَن تَن» و «تَ تَن تَن» ساخته شده است. تا اینجا آموختیم که از کنار هم قرارگرفتن هجاها، رُکن به‌وجود می‌آید؛ و از کنار هم قرارگرفتن رکن‌ها، وزن پدید می‌آید. هجاها دو نوع بیشتر نیستند: کوتاه و بلند؛ اما بسته به «تعداد» و «ترتیب» هجاهای کوتاه و بلند، رُکن‌های مختلفی می‌تواند به‌وجود بیاید. به نمونه‌های زیر و ترتیب هجاهای کوتاه و بلند



دقت کنید. می بینید که با جابه جایی هجاها، رکن های مختلفی با وزن هایی متفاوت به وجود می آید:

سه هجا:	— — U	←	تَ تَن تَن
سه هجا:	— U —	←	تَن تَ تَن
چهار هجا:	— — — U	←	تَ تَن تَن تَن
چهار هجا:	— — U —	←	تَن تَ تَن تَن
چهار هجا:	— U — —	←	تَن تَن تَن تَن

باز اگر در این رکن ها به جای یکی دیگر از هجاهای بلند، هجای کوتاه به کار ببریم، رکن های دیگری پدید می آید؛ برای نمونه:

— — U U	←	تَ تَ تَن تَن
— U — U	←	تَ تَن تَ تَن

اگر هریک از این رکن ها را چندبار پشت سر هم تکرار کنیم، تفاوت وزن و آهنگ آن ها را با دیگر رکن ها بهتر درمی یابیم:

تَ تَ تَن تَن / تَ تَ تَن تَن / تَ تَ تَن تَن / تَ تَ تَن تَن
 تَ تَن تَ تَن / تَ تَن تَ تَن / تَ تَن تَ تَن / تَ تَن تَ تَن
 تَ تَن تَ تَن / تَ تَن تَ تَن || تَ تَن تَ تَن / تَ تَ تَن تَن
 تَ تَ تَن تَن / تَ تَن تَ تَن || تَ تَ تَن تَن / تَ تَ تَن تَن

در موسیقی برای پیدا کردن وزن کلمات از «تَ» و «تَن» استفاده می شود؛ اما در قواعد زبان عربی برای پیدا کردن وزن کلمات، از سه حرف «ف»، «ع» و «ل» استفاده می شود؛ برای مثال عالم بر وزن فاعِل، عَلیم بر وزن فاعِل، معلوم بر وزن مفعول و معلّم بر وزن مفعّل است. از آنجا که خلیل بن احمد، واضع علم عروض، عالم علم نحو (دستور زبان عربی) نیز بود، همان گونه که در قواعد صرف و نحو عربی، وزن کلمات را بر اساس سه حرف «ف»، «ع»، «ل» مشخص می کنند، رُکن های عروضی را نیز بر پایه همین سه حرف اصلی نام گذاری کرد؛ بنابراین بنا به قراردادهای پذیرفته شده عروض، نام رُکن های زیر بدین صورت است:



فَعُولُنْ	←	تَ تَن تَن	←	— — U
فَاعِلُنْ	←	تَن تَن تَن	←	— U —
مَفَاعِلُنْ	←	تَ تَن تَن تَن	←	— — — U
فَاعِلَاتُنْ	←	تَن تَن تَن تَن	←	— — — U —
مُسْتَفْعِلُنْ	←	تَن تَن تَن تَن	←	— U — —
فَعَلَاتُنْ	←	تَ تَن تَن تَن	←	— — — U U
مَفَاعِلُنْ	←	تَ تَن تَن تَن	←	— U — U

چگونگی پدید آمدن وزن:

دیدیم که بسته به چگونگی کنار هم قرار گرفتن هجاها، رُکن‌ها به وجود می‌آیند. از کنار هم قرار گرفتن رُکن‌ها نیز وزن‌های مختلف پدید می‌آید. به واژه‌های زیر و وزن آنها دقت کنید:

می‌خواهَمَت: تَن تَن تَن تَن ← مُسْتَفْعِلُنْ	نمی‌خواهَم: تَن تَن تَن تَن ← مَفَاعِلُنْ
بینَمَت: تَن تَن تَن تَن ← مَفَاعِلُنْ	می‌نویسَم: تَن تَن تَن تَن ← فَاعِلَاتُنْ
آمده‌ام: تَن تَن تَن تَن ← مُفْتَعِلُنْ	بنویسَم: تَن تَن تَن تَن ← فَعَلَاتُنْ

هریک از این کلمات را چهار بار پشت سر هم تکرار کنید؛ می‌بینید که از تکرار هریک از آنها، وزن‌های مختلفی با آهنگ‌هایی متفاوت به وجود می‌آید: (به خاطر همین، به این اجزای تشکیل دهنده وزن، رُکن (به معنی پایه) می‌گویند؛ یعنی پایه‌ای که وزن بر آن استوار است).

تکرار رُکن	وزن
می‌خواهَمَت می‌خواهَمَت می‌خواهَمَت می‌خواهَمَت	مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ
نمی‌خواهَم نمی‌خواهَم نمی‌خواهَم نمی‌خواهَم	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
بینَمَت بینَمَت بینَمَت بینَمَت	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
می‌نویسَم می‌نویسَم می‌نویسَم می‌نویسَم	فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ
آمده‌ام آمده‌ام آمده‌ام آمده‌ام	مَفْتَعِلُنْ مَفْتَعِلُنْ مَفْتَعِلُنْ مَفْتَعِلُنْ
بنویسَم بنویسَم بنویسَم بنویسَم	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ

نکته: از هم نشینی برخی از رکن‌ها نیز وزن‌های ترکیبی زیبایی به وجود می‌آید:

آمده‌ام بینَمَت | آمده‌ام بینَمَت ← مفتعلن مفاعِلن | مفتعلن مفاعِلن



بِیْنَمَتِ بِنِوِیْسَم | بِیْنَمَتِ بِنِوِیْسَم ← مفاعِلن فَعَلاتِن | مفاعِلن فَعَلاتِن
 بِنِوِیْسَم بِیْنَمَت | بِنِوِیْسَم بِیْنَمَت ← فَعَلاتِن مفاعِلن | فَعَلاتِن مفاعِلن

تعریف وزن

به موسیقی ناشی از نظم و تناسب خاص میان هجاهای کلام، وزن^۱ می‌گویند. قداما به «وزن موسیقایی» (مانند: تَن تَن تَن / تَن تَن تَن یا معادل آن با ضرب تُمبَک) «ایقاع» می‌گفتند.^۲ اگر به جای ایقاع از کلام استفاده کنیم، با کلام موزون رویه‌رو هستیم (مانند: «ای ساریان آهسته رو»). چنان‌که توضیح داده شد، در عروض به جای استفاده از «ت» و «تَن» از حروف دیگری استفاده می‌شود؛ چنان‌که به جای وزن موسیقایی «تَن تَن تَن / تَن تَن تَن» می‌توان گفت «مستفعلن مستفعلن» که به آن «وزن عروضی» می‌گویند.

بحر

در کتاب‌های قدیم عروض، وزن‌های شعر را طبقه‌بندی کرده و بر هر طبقه نامی نهاده بودند. به هریک از این طبقه‌ها «بحر» می‌گفتند. بحث بحر برای طبقه‌بندی وزن‌های شعر عرب پدید آمد. برای نخستین بار، خلیل بن احمد^۳، وزن‌های شعر عرب را در پانزده دسته طبقه‌بندی کرد و رابطه آنها را با هم توضیح داد. وی بر وزن‌های حاصل از تکرار هر رکن، نامی گذاشت. برای مثال: وزن‌هایی را که بر پایه رکن «مفاعیلن» ساخته شده باشند، در یک طبقه قرار داد و نام آن را بحر «هزج» نهاد، اوزان حاصل از تکرار «فعولن» را بحر «مقارب» نامید و
 بحر‌ها هرچه در توصیف رابطه وزن‌های شعر عرب توانا باشند، به دلایل متعدد از عهده توصیف و طبقه‌بندی درست وزن‌های شعر فارسی بر نمی‌آیند.^۴

1. meter

۲. ر.ک. طوسی، ۱۳۹۳: ۸.

۳. خلیل بن احمد قراهیدی، متوفی حدود ۱۷۰ هـ. موسیقی دان، نحوی و واضع علم عروض عرب بود. وی زاده عمان بود. یاقوت حموی وی را ایرانی الاصل دانسته است؛ بدین معنا که از اخلاف ایرانیانی بود که به دستور انوشیروان یمن را فتح کردند. (معجم الأدباء، چاپ احسان عباس، بیروت، ۱۹۹۳، ج ۳: ۱۲۶۰). در این باره ر.ک. دانشنامه جهان اسلام، rch.ac.ir، مدخل «خلیل بن احمد».

۴. ر.ک. جلالی، ۱۳۹۶: ۱۱۲.

برخلاف تصور عروضیان قدیم که وزن شعر فارسی را مأخوذ از وزن شعر عرب می‌دانستند، امروزه می‌دانیم که وزن شعر فارسی تنها نام‌ها و اصطلاحات را از عروض عرب أخذ کرده است و در عین تأثیرپذیری از دستگاه عروض عرب، به واسطه پیشینه وزن شعر در ایران پیش از اسلام، دستگاه وزنی و قواعد کاملاً متفاوتی دارد. عروضیان قدیم که تصور می‌کردند وزن شعر فارسی یکسره از عروض عرب پدید آمده است، سعی داشتند وزن‌های شعر فارسی را هم بر مبنای قواعد عروض عرب توصیف، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کنند. اصطلاح «بحر» و طبقه‌بندی وزن‌ها بر اساس بحر، در عروض جدید کارایی ندارد.^۱

تقطیع و رُکن‌بندی

اگر نتوانیم تنها با شنیدن یعنی از طریق گوش، آهنگ و وزن شعر را پیدا کنیم، می‌توان برای پیدا کردن وزن شعر از نوشتن کمک گرفت. برای پیدا کردن وزن، ابتدا باید شعر را به کوچک‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده آن یعنی هجاها قطعه‌قطعه کرد. به نوشتن شعر به صورت بخش بخش و به تعبیری قطعه‌قطعه کردن شعر به هجاهای آن و مشخص کردن کوتاه یا بلند بودن هجاها، «تقطیع» می‌گویند. تقطیع، گام اول برای تشخیص وزن شعر است. پس از تشخیص نوع هجاها، نوبت به تشخیص رکن‌ها می‌رسد؛ یعنی باید مشخص کنیم که این وزن از چه رکن‌هایی تشکیل شده است. به مشخص کردن و جدا کردن رکن‌ها از یکدیگر «رُکن‌بندی» می‌گویند. در کتاب‌های عروض، این دو مرحله را روی هم رفته تقطیع گفته‌اند. در کتاب حاضر برای توصیف دقیق‌تر مراحل تشخیص وزن شعر، اصطلاح رکن‌بندی جدای از تقطیع به کار رفته است. در عمل تقطیع، شعر را هجا به هجا بخش می‌کنند و علامت هجاها را به ترتیب می‌نویسند (هجای کوتاه با علامت «u» و هجای بلند با علامت «—») و سپس رکن‌ها را مشخص می‌کنند و آنها را با خط مورب (/) از هم جدا می‌کنند.

از آنجا که وزن مربوط به آهنگ و موسیقی شعر و بحثی شنیداری است، دقت کنیم که ملاک ما برای تقطیع شعر، شیوه خوانش کلمات است و نه شیوه نگارش آنها. برای نمونه مصراع «من ندانستم از اوّل که تو بی‌مهر و وفایی» را این گونه می‌خوانیم و تقطیع می‌کنیم:

۱. برای آگاهی بیشتر از رابطه وزن شعر فارسی با عروض عرب، ر.ک. جلالی، ۱۳۹۶: ۱۹۱-۱۸۸ و ۲۱۶؛ ذیل «پیشینه و منشأ وزن شعر فارسی» و «چند نکته درباره عروض عرب».



مَنْ	نَ	دَا	نِيسَ	تَ	مَ	زَوَ	وَلَ	كِ	تُ	بِی	مِهَ	رُ	وَ	فَا	بِی
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—

— U — / — UU — / — UU — / — UU — (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن)

صامت^۱ و مُصَوَّت^۲

وزن‌های شعری از رکن‌ها، ورکن‌ها از هجاها تشکیل شده‌اند؛ یعنی کوچک‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده وزن‌ها، هجاها هستند؛ اما باید دقت کنیم که خود هجاها نیز از «واج»‌ها یعنی صداهای کوچک‌تری به نام «صامت» و «مُصَوَّت» ساخته شده‌اند. برای ورود به بحثی دقیق‌تر درباره هجا و انواع آن، باید ابتدا به توضیح صامت و مُصَوَّت پرداخت تا پس از بحث درباره انواع هجا، به بحثی درباره انواع رُکن‌ها و سپس به بحث درباره وزن‌های مختلف شعری بپردازیم.

واج‌ها^۳ صداهای زبان گفتاری هستند. «واج» کوچک‌ترین جزء زبان گفتاری است که تمایز معنایی ایجاد می‌کند. مانند /p/ و /t/ در «پَر» و «تَر» یا /a/ و /o/ در «پَر» و «پُر». واج‌های زبان به دودسته «مصوت» (یا «واکه») و «صامت» (یا «هم‌خوان») تقسیم می‌شوند.

در زبان فارسی ۲۹ واج وجود دارد (۶ مصَوَّت و ۲۳ صامت). صامت‌ها آوایی هستند که هنگام ادای آنها هوای برآمده از شُش به مانع (لب، دندان و...) برخورد می‌کند؛ اما مصَوَّت‌ها آوایی هستند که هنگام ادای آنها هوای برآمده از شُش به هیچ مانعی برخورد نمی‌کند.

حروف الفبا، شکل نوشتاری واج‌ها هستند. بر این اساس، صامت‌های زبان فارسی عبارتند از: «ء (ع)، ب، پ، ت (ط)، س (ث، ص)، ج، چ، هـ (ح)، خ، د، ز (ذ، ض، ظ)، ر، ژ، ش، ق (غ)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی». مصوت‌ها نیز به دودسته مصوت‌های کوتاه (شامل: ا، آ، ب، پ، ت، ث، ج، د، ذ، ر، ز، س، ص، ض، ظ، ع، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ی) تقسیم می‌شوند.

نکته: تفاوت اصلی واج با «حرف»^۴ (حروف الفبا) آن است که واج‌ها گونه‌ای از آوا (صدا)های زبان هستند و جنبه «گفتاری» دارند؛ اما حروف الفبا جنبه «نوشتاری» دارند.

1. consonant
2. vowel
3. phonem
4. letter

صامت‌های زبان فارسی

صامت	نشانه الفبایی		صامت	نشانه الفبایی
۱	?	۱۳	ž	ژ
۲	b	۱۴	š	ش
۳	p	۱۵	q	غ، ق ^۳
۴	t	۱۶	f	ف
۵	s	۱۷	k	ک
۶	j	۱۸	g	گ
۷	č	۱۹	l	ل
۸	h	۲۰	m	م
۹	x	۲۱	n	ن
۱۰	d	۲۲	v	و
۱۱	z	۲۳	y	ی
۱۲	r			ر

1 . alphabet

2 . phone

۲. در زبان فارسی گفتاری و رایج امروز (گویش تهرانی) تمایزی بین واج «ق» و «غ» در تلفظ وجود ندارد؛ بنابراین تعداد واج‌های زبان فارسی را ۲۹ (۲۳ صامت و ۶ مصوت) گفته‌اند. اگرچه تمایز میان واج «ق» و «غ» در بسیاری از نواحی دیگر ایران وجود دارد؛ به همین خاطر برخی نیز با در نظر گرفتن واج «غ» تعداد واج‌های زبان فارسی را ۳۰ واج (۲۴ صامت و ۶ مصوت) می‌دانند.



مُصَوِّت‌های زبان فارسی

نشانه الفبایی	مصوت‌های بلند	نشانه الفبایی	مصوت‌های کوتاه
ا	ā	َ	a
ی	i	ِ	e
و	u	ُ	o

نکته: از کنار هم قرار گرفتن یک مصوت و یک یا چند صامت، هجا به وجود می‌آید.

هجا^۱

به مصراع «تا تو با منی، زمانه با من است» توجه کنید. این مصراع از ۱۱ «بخش» تشکیل شده است:

تَا	تُ	بَا	مَ	نِی	زَ	مَا	نِ	بَا	مَ	نَسْت
-----	----	-----	----	-----	----	-----	----	-----	----	-------

به هریک از این بخش‌ها، هجا می‌گویند. هجا مجموعه‌ای از یک مصوت با یک یا چند صامت است که با یک بار خروج هوا از شش‌ها ادا می‌شود.

در زبان فارسی سه نوع هجا وجود دارد: هجای کوتاه، بلند و کشیده. تفاوت این هجاها در کشش زمانی آنها هنگام اداشدن است. هجای کوتاه مانند «تُ»، هجای بلند مانند «من» و هجای کشیده مانند «دست».

هرکدام از این واژه‌ها را چند بار پشت سر هم تکرار کنید تا تفاوت کشش زمانی این هجاها را با هم دریابید: تُ تُ تُ / من من من / دست دست دست. سرعت تلفظ «تُ» از «من»، و سرعت تلفظ «من» از «دست» بیش‌تر است؛ به همین دلیل است که «تُ» را هجای کوتاه، «من» را هجای بلند و «دست» را هجای کشیده می‌دانیم. برای مثال در مصراع «دوست آن باشد که گیرد دستِ دوست»، «دوست» هجای کشیده است، «آن»، «با»، «شد»، «گی»، «رد» و «دَس» هجاهای بلند هستند، و «کِ» و «تِ» هجاهای کوتاه:



هجا	دوست	آن	با	شد	ک	گی	رد	دَس	ت	دوست
نوع هجا	کشیده	بلند	بلند	بلند	کوتاه	بلند	بلند	بلند	کوتاه	کشیده

باید دقت شود که مثال بالا برای توضیح دادن انواع «هجاهای زبان فارسی» است. هنگام تقطیع شعر و تعیین نوع «هجای وزنی» همان گونه که در ادامه خواهد آمد، هر هجای کشیده در زبان فارسی معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه وزنی محسوب می شود.

انواع هجا در «وزن شعر» و «زبان» فارسی: ۲ یا ۳ هجا؟

برخلاف زبان فارسی که دارای سه نوع هجای کوتاه، بلند و کشیده است، در وزن شعر فارسی تنها دو نوع هجای کوتاه و بلند وجود دارد. چنان که پس از این در مبحث تقطیع توضیح داده خواهد شد، از آنجا که امتداد و کشش زمانی هجای کشیده در شعر فارسی به اندازه یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است، هنگام تقطیع هجای کشیده به یک هجای بلند (—) و یک هجای کوتاه وزنی (U) تبدیل و تقطیع می شود.

دلیل اختلاف نظری نیز که میان برخی از صاحبان نظر بر سر وجود ۲ یا ۳ هجا وجود دارد، به همین خاطر است که به یک موضوع از دو منظر مختلف (واقعیت زبانی / واقعیت وزنی) نگریسته اند.

در زبان فارسی، بسته به این که کدام مصوت (کوتاه یا بلند) در کنار چند صامت قرار بگیرد (یک، دو یا سه صامت)، سه نوع هجای کوتاه، بلند و کشیده با شش الگوی مختلف وجود دارد:

هجاهای زبان فارسی	اجزای تشکیل دهنده	الگوی هجایی	نشانه قراردادی	نمونه
هجای کوتاه	صامت + مصوت کوتاه	CV	U	تو، سه، نه، ب
هجای بلند	صامت + مصوت بلند	C $\bar{V}$	—	تا، سی، او
	صامت + مصوت کوتاه + صامت	CVC	—	من، کی، شش
هجای کشیده	صامت + مصوت بلند + صامت	C $\bar{V}$ C	U —	مار، دور، دیر
	صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت	CVCC	U —	دست، رند، گفت
	صامت + مصوت بلند + صامت + صامت	C $\bar{V}$ CC	U —	کاشت، نیست، گوشت



نکته ۱: صامت را با علامت «C»، مصوّت کوتاه را با علامت «V»، و مصوّت بلند را با علامت « $\bar{V}$ » نشان می‌دهند.^۱

نکته ۲: در مراحل آغازین یادگیری و آشنایی با وزن‌های شعر، اگر نتوانیم تنها از طریق شنیدن یا خواندن، وزن شعر را به دست بیاوریم، چنان‌که در ادامه خواهیم دید، باید از طریق تقطیع، وزن شعر را بیاییم؛ اما نخستین مرحله تقطیع، تشخیص نوع هجاها (کوتاه یا بلند یا کشیده) است. فایده آشنایی با طرح‌های هجایی جدول بالا نیز در همین است که تشخیص این الگوها، هنگام تردید، به راحتی ما را در تشخیص نوع هجا کمک می‌کند؛ یعنی با آوانگاری واژگان به حروف انگلیسی، به راحتی می‌توان الگوی هجایی (ترتیب و نوع مصوت‌ها و صامت‌ها) را مشخص کرد:

چو (چ) ← čo ← cv ← کوتاه کی ← key ← cvc ← بلند
خواب ← xāb ← c $\bar{v}$ c ← کشیده ریخت ← rixt ← c $\bar{v}$ cc ← کشیده

نکته ۳: تنها مورد استثنا در الگوی هجایی «c $\bar{v}$ c»، هجایی است که با صامت «ن» پایان می‌پذیرد. صامت «ن» اگر پس از مصوّت بلند قرار بگیرد، به خاطر کاستن از کمیت مصوّت بلند قبل از خود، هنگام تلفظ هجای بلند می‌سازد؛ نه هجای کشیده: «زار، دور، دیر» ← هجای کشیده؛ «زان، دون، دین» ← هجای بلند. (اگر چندبار هریک از این کلمات را پشت سر هم تکرار کنیم، متوجه تفاوت کشش زمانی آنها می‌شویم: «زار، زار، زار، زار...» ← هجای کشیده، «زان، زان، زان، زان...» ← هجای بلند)

آرکان عروضی

آرکان جمع رُکن و رکن به معنی پایه است. فاعلاتن، مستفعلن، مفاعیلن و... را بدان خاطر رکن می‌گویند که وزن بر پایه آنها، یعنی از تکرار یا کنار هم قرارگرفتن آنها پدیدمی‌آید. رکن‌های بالفعل در وزن‌های مشهور شعر قدیم و جدید فارسی، حداقل از یک و حداکثر از پنج هجا تشکیل شده‌اند. تفاوت میان رکن‌ها در تعداد هجاها، نوع هجاها و ترتیب هجاها است.

۱. «C» نشانه «consonant» و «V» نشانه «vowel» است.